

جستاری در چرایی چرخش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از انقلابی‌گری به محافظه‌کاری

جواد حق‌گو*

محمد اسماعیل نباتیان**

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی در مقایسه با دوره ریاست احمدی‌نژاد دچار تغییرات اساسی شد. غلبه گرایش‌های عملگرایانه و محافظه‌کارانه بر گرایش‌های آرمانگرایانه و انقلابی را باید اصلی‌ترین نمود این تغییر به شمار آورد. از آنجائی‌که این تغییر رویکرد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پدیده جدیدی نیست، بررسی این موضوع آثار مهمی بر درک و فهم بهتر سیاست خارجی ایران می‌گذارد. بر همین اساس بررسی چرایی این مسئله هدف اصلی این مقاله است.

بر اساس ادعای این مقاله، این تغییر اساسی در حوزه سیاست خارجی بیش از هر چیز به تغییر در تعریف مفهوم منافع ملی باز می‌گردد. تغییر و تحول این مفهوم به عنوان جوهر اصلی سیاست خارجی زمینه‌ساز تغییر در اولویت‌ها، جهت‌گیری‌ها و راهبردهای یک کشور در تعامل با محیط خارجی است. در اینجا تلاش شده است تا با در نظر داشتن سه مفهوم تغییر‌نخبگان، نوع برداشت از هویت ملی و تحولات ساختاری، چرایی درک متفاوت از منافع ملی در دوره‌ای خاص از سیاست خارجی ج.ا. ایران

jhaghgoo@ut.ac.ir

*. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

me.nabatian@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: 1397/12/3

تاریخ ارسال: 1397/2/8

را مورد واکاوی قرار دهیم. بنابراین شناخت نوع اثرگذاری مفاهیم سه‌گانه بر منافع ملی یک کشور به عنوان چارچوب مفهومی و بررسی نوع اثرگذاری آن بر تکوین سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی بخش‌های اصلی این مقاله را تشکیل داده است.

واژگان کلیدی:

ریاست جمهوری، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، منافع ملی.

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران درباره سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی دیدگاه‌های مختلفی مطرح شد. ریشه این اختلافها پیش از هر چیز به نوع تعریف از مفهوم منافع ملی باز می‌گشت. در مجموع دو نگاه کلان پیرامون این امر به وجود آمد؛ نگاه اول ناظر به مفهوم مدرن منافع ملی و دیگری ناظر به مفهوم مصالح اسلامی بود. دیدگاه اول ملی‌گرایی را به عنوان اولویت اصلی خود در عرصه سیاست خارجی مطرح کرد، اما دیدگاه دوم با اشاره به آرمان‌ها و رسالت‌های فراملی انقلاب اسلامی اعتقادی راسخ به لحاظ کردن مصالح امت اسلامی در سیاست خارجی دولت اسلامی داشت. دیدگاه دوم با تعریف خاص خود از منافع ملی معتقد بود که اساساً تزامنی میان منافع ملی ایران با مصلحت امت اسلامی و نیز پیگیری آرمان‌های فراملی انقلاب اسلامی وجود نداشته و می‌توان میان این دو آشتی برقرار کرد. در این نگاه اگر جمهوری اسلامی بخواهد در مفهوم مدرن منافع ملی مورد تأکید جریان اول محدود شده و تلاشی برای تحقق آرمان‌هایی که در حوزه سیاست خارجی غالباً در اصول 9، 11، 12، 13، 14 و 155 بدانها اشاره شده نکند، به انحراف کشیده شده است.

تداوم این اختلاف نظرها درباره مفهوم منافع ملی باعث آن شده که به رغم گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی همچنان اختلاف سلیقه‌ها در این زمینه وجود داشته و طرفداران هر کدام از دو رویکرد تعریف خاصی را از مفهوم منافع ملی ارائه داده و به تبع این تعریف رفتارهای متفاوتی در عرصه سیاست خارجی از خود نشان دهند.

این نوشتار با نظر داشت این عدم توافق در مورد مفهوم منافع ملی معتقد است این عدم توافق مفهومی در مورد بنیان‌های نظری و مصادیق عملی باعث شده تا سیاست خارجی ایران با تغییر دولت‌ها دچار تفاوت‌های بنیادی در اهداف، اولویت‌ها و جهت‌گیری‌ها و نوع نگاه به عرصه بین‌المللی در ادوار مختلف سیاست خارجی گردد؛ پدیده‌ای که در مقایسه سیاست خارجی دولت‌های روحانی و احمدی‌نژاد به وضوح نمایان است.

به همین منظور برای درک این تغییر و تحول این نوشتار با گزینش سه معیار تغییر نخبگان، نوع

برداشت از هویت ملی و تحولات ساختاری به دنبال نشان دادن چرایی تطور مفهوم منافع ملی و به تبع تغییر سیاست خارجی ج.ا.ایران در دوره روحانی در قیاس با دولت قبل است. در این راستا در بخش نخست در قالب چارچوب مفهومی مقاله به بررسی ارتباط سه معیار منتخب با مفهوم منافع ملی و آثار آن بر شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها پرداخته و در بخش دوم به بررسی سیاست خارجی دولت روحانی در مقایسه با دولت احمدی‌نژاد از منظر چارچوب مفهومی یاد شده پرداخته‌ایم. منافع ملی و سیاست خارجی؛ عناصر مفهومی

بررسی و تحلیل سیاست خارجی کشورها در نهایت به این سوال اساسی ختم می‌شود که آیا منافع ملی تامین شده است؟ این سوال نشان می‌دهد که مفهوم منافع، صرف‌نظر از ابهام و پیچیدگی‌های گسترده آن، عنصر اساسی و جوهری سیاست خارجی است. بنابراین شناخت آن می‌تواند نشان‌دهنده میزان موفقیت یا ناکامی سیاست خارجی باشد و از طرف دیگر داشتن درکی صحیح و شفاف از آن به ارزیابی از جهت‌گیری‌ها و اولویت‌ها کمک می‌کند.

در قالب برداشت‌های نظری، هر دو رویکرد عینی‌گرا و ذهنی‌گرا مسئله منافع ملی و تغییر و تحول آن را توضیح می‌دهند. در حالی که عینی‌گرایان بر عناصر مادی سیاست خارجی اشاره کرده و این عناصر را در تغییر سیاست خارجی مهم می‌دانند، ذهن‌گرایان و به طور خاص سازه‌انگاران تغییر در سیاست خارجی را تا حد بسیاری به مسئله هویت‌ها و نوع برداشت‌ها مرتبط می‌دانند (افتخاری، 1386، صص 45-38). از این رو با اتخاذ دیدگاهی ترکیبی می‌توان تغییر و تحول در سیاست خارجی را با توجه به سه مولفه ذیل بررسی کرد.

. تغییر نخبگان یا فضای گفتمانی

اگر سیاست خارجی را ماحصل تعامل میان دو فضای داخلی و خارجی یک کشور تعریف کنیم (ازغندی، 1389) در حوزه داخلی مهم‌ترین مولفه، نخبگان و فضای گفتمانی شکل گرفته شده توسط آن‌هاست. نخبگان به عنوان نمایندگان ملت (در جوامع دموکراتیک) برآیند نوع انتظار و خواست‌های جامعه از ظرفیت‌های موجود به ویژه دولت هستند. با این حال، در عصر جدید که با فرایند دموکراتیزاسیون اصل چرخش نخبگان به یک اصل مسلط تبدیل شده نمی‌توان انتظار تداوم حاکمیت همیشگی نخبگان خاص را داشت. از طرف دیگر، این نخبگان تحت تاثیر جایگاه اجتماعی، ارزش‌ها و ایدئولوژی نماینده شیوه خاصی از تفکر می‌باشند که طبعاً این مورد در نوع تصمیم‌گیری آن‌ها موثر خواهد بود. بنابراین، تغییر آن‌ها با تغییر در سیاست‌ها و انتظارات همراه خواهد بود. در این راستا، حوزه سیاست‌گذاری خارجی که مفهوم منافع ملی در بستر آن معنا می‌یابد به شدت با نخبگان در ارتباط است و از این جهت منافع ملی ارتباطی تنگاتنگ با قدرت حاکم یا گفتمان مسلط داشته است. توانایی اعمال قدرت و جلوه بخشیدن به گزاره‌هایی همچون «منافع» و «ملی» در چارچوبه

اختیارات نخبگان می‌باشد و از این جهت با تغییر آن‌ها و در ادامه جایگزینی گفتمان‌ها طبیعی است که مفهوم منافع ملی در معرض تحول و تطور قرار گیرد (تاجیک، 1386، 31) در این حالت، اگر فضای گفتمانی دارای تفاوت‌های عمده‌ای به‌ویژه در نوع دال‌ها باشد می‌توان انتظار داشت که درک و تصویر شفاف و ثابتی از مفهوم منافع ملی حاصل نشود.

2. نوع برداشت از هویت ملی

بر اساس رویکرد سازه‌انگارانه از سیاست خارجی آن چیزی که به واقعیت‌ها شکل می‌دهد مفاهیم، قواعد و ارزش‌هاست. بر این اساس ارزش‌ها، مفاهیم و قواعد موجود در یک کشور در نوع برداشت‌ها از هویت تاثیرگذار بوده و به نوبه خود این هویت باعث تکوین منافع می‌شود. هویت ملی معلول هنجارهای ملی و فراملی است و از طریق شکل دادن به نقش‌های ملی متفاوت به منافع ملی که کشور در سیاست خارجی پیگیری می‌کند قوام می‌بخشد. به تعبیری دیگر، هویت ملی عامل تعیین‌کننده و تکوین‌دهنده منافع ملی است که ارزش‌ها و منفعت‌های ملی مختلفی را ایجاب می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، 1386، 149) از این جهت، تغییر و تحولات هویتی و نقشی باعث تغییر در منافع و ارزش‌ها خواهد شد.

در ارتباط با مولفه نخست در شرایطی که گفتمان یا گفتمان‌های مختلف با نمایندگی نخبگانی خاص به وجه مسلط تبدیل می‌شوند طبیعی خواهد بود که نگاه ارزش‌های مد نظر آن‌ها بر برداشت از هویت ملی تاثیرگذار شده و همین امر زمینه را برای تغییر در منافع ملی مهیا می‌کند. به طور مثال نخبگانی که وجه دینی و ارزش‌های ناشی از آن را در گفتمان خود اولویت می‌بخشند نقش دینی برای کشور تعریف کرده و در نتیجه منافع ملی در این راستا تنظیم می‌شود.

3. تحولات بین‌المللی

اگر دو مولفه نخست به وجه داخلی عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی و مفهوم منافع ملی می‌پردازد مولفه سوم به تحولات بین‌المللی و تاثیرات آن بر سیاست خارجی تمرکز دارد. در این حالت، تحولات بین‌المللی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای می‌تواند به مثابه ورودی سیاست خارجی یک کشور عمل کرده و سیاست‌ها و اولویت‌های آن را تغییر دهند. با این حال اگرچه رئالیست‌های ساختاری این تاثیرگذاری را بی‌واسطه و مستقیم می‌دانند (Waltz, 1979) نوکلاسیک‌ها در تفسیری جدیدتر معتقدند این تاثیرگذاری ساختار بر جهت‌گیری سیاست خارجی از رهگذر عوامل داخلی نظیر نوع برداشت نخبگان و آگاهی‌های ترجمه شده و لذا تاثیرات غیرمستقیم است. (مشیرزاده، 1386) بنابراین در نتیجه تغییر و تحولات بین‌المللی، مفهوم منافع ملی از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر می‌تواند با

دگرذیسی در شاخص‌ها مواجه شود.

تحول مفهوم منافع ملی در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

با در نظر داشت معیارهای سه‌گانه، جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک دولت-ملت ناگزیر از کنشگری در عرصه خارجی و در نتیجه سیاست‌گذاری در این حوزه است. با توجه به فعالیت نخبگان و تغییر گریزناپذیر آن‌ها و تحولات بین‌المللی سیاست خارجی ایران نمی‌تواند همواره با مفهوم واحدی از منافع ملی و اولویت‌های درونی آن تداوم داشته باشد. از این رو، سیاست خارجی ایران در ادوار مختلف پس از انقلاب اسلامی با تغییر نخبگان و همزمان تحولات بین‌المللی دچار تحول در مفهوم بنیادین منافع ملی شده و پیرو آن جهت‌گیری‌ها و راهبردها نیز تغییر کرده‌اند. تغییرات اساسی صورت پذیرفته در سیاست خارجی دولت روحانی در مقایسه با دولت احمدی‌نژاد را باید مصداق بارز این امر به شمار آورد.

1. تغییر نخبگان و دگرگونی در تعریف منافع ملی

چرخش نخبگان و تغییر تصمیم‌گیرندگان متولی سیاست خارجی عاملی اساسی در تغییر و تحول مفهوم منافع ملی است. تفاوت دیدگاه‌ها و ظهور ادبیاتی نوین در عرصه سیاسی کشور و حتی تغییر برداشت سیاستمداران از بسیاری مفاهیم در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی از جمله نمادهای ورود جمهوری اسلامی ایران به شرایطی جدید است. تحول مفاهیم سیاسی نزد دولتمردان به‌ویژه مفاهیم بنیادینی چون منافع ملی که از همان آغازین روزهای انقلاب برداشت‌های گوناگونی از آن شده بود، در کانون این تحولات قرار گرفت. البته این تغییرات نمونه تاریخی‌ای نیز داشته است؛ نمونه تاریخی‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران سیاست خارجی دولت حسن روحانی را بازگشت به آن مقطع از تاریخ انقلاب اسلامی که هاشمی رفسنجانی زمام امور اجرایی کشور را در دست داشت، می‌دانند. خوش‌بینی افراطی به غرب و پیگیری همه‌جانبه سیاست تنش‌زدایی با هدف ایجاد تغییر در رویکردهای خصمانه ایالات متحده و دولت‌های اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران اصلی‌ترین محور سیاست خارجی دولت ایران در دوران حکمرانی کارگزاران بود که البته بعدها و با روندی رادیکال‌تر در دولت‌های محمد خاتمی و حسن روحانی دنبال شد. در این نگاه، عمده مشکلات جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی به نوع سیاست‌های انقلابی دولت جمهوری اسلامی ایران در این عرصه باز می‌گردد. بر این اساس، با اصلاح رویه‌های حاکم بر سیاست خارجی می‌توان به تغییر نگاه دیگر دولت‌ها و احترام‌گذاردن آنها به حقوق ملت ایران امیدوار بود. پیروان این نگرش بیش از آنکه سیاست خارجی کشور را با تاسی از آموزه‌های رئالیست‌ها و پیروی از اصل

سیاست قدرت مدنظر آنها پیش ببرند بر صحت آموزه‌های لیبرال‌ها تاکید دارند. در نگاه لیبرال‌های روابط بین‌الملل، همکاری حداکثری در عرصه بین‌الملل امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به عقیده آنها این همکاری در چارچوب‌های حقوق بین‌الملل کاملاً قاعده‌مند شده است.

همان‌طور که گفته شد، فهم روحانی از مفهوم منافع ملی و به تبع نوع رفتار دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی دقیقاً مشابه درک و کنش دولت کارگزاران به ریاست هاشمی رفسنجانی است. این مشابهت‌انگه بیشتر می‌شود که بدانیم سیاست خارجی انقلابی و آرمان‌گرایانه احمدی‌نژاد مشابهت‌های فراوانی با سیاست خارجی دوره پیش از هاشمی یعنی نخست‌وزیری موسوی داشته است. بر اساس چنین نگرشی است که دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد را می‌توان بازگشت به گذشته انقلابی جمهوری اسلامی ایران پس از وقفه ای شانزده ساله دانست. (ازغندی، 1389، 121-130) احمدی‌نژاد به عنوان نسل جدیدی از انقلابیون آرمانگرا با تکیه بر جایگاه خود در میان مستضعفین و ایثارگران و به رغم مخالفت برخی نخبگان جامعه ایران توانست قدرت را در دست بگیرد. (Sherril, 2013, 65)

اگر نموداری از زمان تشکیل کابینه میرحسین موسوی تا روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در حوزه سیاست خارجی ترسیم کنیم، مسیر حرکت این نمودار از آرمان‌گرایی محض و نگاهی شدیداً انقلابی به سمت دیدگاه‌های واقع‌گرایی نسبی و پراگماتیستی در حال حرکت بوده است. با تشکیل دولت محمود احمدی‌نژاد محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی دچار یک انقطاع و شوک شدید سیاسی نسبت به روند پراگماتیستی و واقع‌گرایانه پیشین گردید. (ازغندی، 1389، 123) در این دوره سیاست خارجی ایران در عین تداوم نظری و عملی، دستخوش تغییر و تحولات زیادی شد. به گونه‌ای که در چارچوب اصول بنیادین و مبانی ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، الگوی رفتاری و دیپلماتی آن دگرگون و متحول گردید (دهقانی فیروزآبادی، 1391، 512) و دارای اصول رفتاری متفاوتی در قیاس با دوره‌های قبل شد. (دهقانی فیروزآبادی، 1389، 189)

پیشینه فکری احمدی‌نژاد و اعضای کابینه و مشاورینش به جریان اصولگرا برمی‌گردد. در دولت احمدی‌نژاد، هم در باورها و هم در رفتار و کردار کارگزاران نسبتاً جوانی که مسئولیت اداره امور کشور را بر عهده گرفتند شاهد تاثیرگذاری برجسته ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی - شیعی بودیم. همچنین از سخنان شخص احمدی‌نژاد استنباط می‌شود که او در درجه اول علاقه‌مند به تحقق جدی انقلابی‌گری در عرصه سیاست داخلی و در صدد براندازی نظم و نسق موجود جهانی از طریق صدور انقلاب است. (ازغندی، 1389، 131) برجستگی هنجارهای ایدئولوژیک احمدی‌نژاد نمود خود را

عمدتاً در پرداختن به مسئله هسته‌ای و تأکید بر حقانیت ایران جهت دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای و تلاش برای ایفای نقش برتر در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه با تکیه بر توانمندی نظامی و دانش هسته‌ای نشان داد. (همان، 132)

محمود احمدی نژاد از همان آغازین روزهای انتخاب به عنوان رئیس جمهور ایران عناصر انقلابی و تهاجمی‌ای چون «نقش عدالت و معنویت در تحولات جهان» (متقی، 1389)، «لزوم متوازن ساختن حق و تکلیف در عرصه سیاست بین‌الملل» (غریبی، 1387)، «جهت‌گیری انتقادی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی» (همان)، «سیاست خارجی نگاه به شرق» (متقی، 1389) و «احیای جهت‌گیری سیاست خارجی جنوب- جنوب» (همان) را به عنوان اولویت‌های اصلی سیاست خارجی خود مطرح نمود.

احمدی نژاد پس از به قدرت رسیدن با مورد سوال قرار دادن ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل از ضرورت اعمال سیاست تهاجمی در قبال غرب سخن به میان آورد. (ازغندی، 1389، 141) به اعتقاد حمید مولانا و منوچهر محمدی دو تن از اصلی‌ترین تئوریسین‌های سیاست خارجی دولت احمدی نژاد، موضوعاتی چون «افسانه هولوکاست، زیربنای سلطه صهیونیسم بر جهان»، «محو اسرائیل»، «تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی»، «نقش مهدویت در سیاست خارجی»، «اتحاد جهان اسلام» و «سیاست تهاجمی در موضوع هسته‌ای» راهبردهای اصلی سیاست خارجی دولت احمدی نژاد را تشکیل داده بود. (مولانا و محمدی، 1388، 200-157)

راهبرد عدالت و حقوق متقابل، هسته اصلی و مرکزی سیاست خارجی و دیپلماسی فطرت‌گرایانه دولت احمدی نژاد را تشکیل می‌داد. این مولفه معتقد است سیاست خارجی بدون عدالت محقق و پایدار نخواهد ماند. (عیوضی و نوازی، 1393، 43) نگرش منفی احمدی نژاد به فضای کنونی نظام بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و به طور کلی ارزش‌های غربی (مولانا و محمدی، 1388، 135) تأثیر عمیقی بر نوع نگاه وی به عنوان مهم‌ترین تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی کشور در دوره‌های نهم و دهم ریاست جمهوری و افزایش نگاه ایده‌آلیستی و آرمان‌گرایانه در این زمان داشته است. دیدگاه احمدی نژاد مبتنی بر قدرت محوری واقع‌گرایانه - با تأکید بر اهمیت دست‌یابی به قدرت نظامی، نفی کارکرد سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی (همان، 145) به همراه دیدگاهی ایدئولوژیک به اهداف سیاست‌گذاری خارجی است.

راهبرد یا جهت‌گیری سیاست خارجی دولت احمدی نژاد، عدم تعهد تجدیدنظر طلب است. در چارچوب اصل بنیادی نه شرقی- نه غربی، این نوع عدم تعهد دارای تعهدات و رسالت انقلابی و

ایدئولوژیک است. از این رو، فراتر از عدم تعهد متعارف علاوه بر عدم وابستگی و پیوستگی به مراکز قدرت و قدرت‌های جهانی، در صدد تغییر و تحول نظام و نظم بین‌الملل مستقر است. این هدف نیز از طریق تغییرات زیربنایی در اصول و مبانی نظم و نظام نامطلوب موجود تحقق می‌یابد. (دهقانی فیروزآبادی، 1391، 513)

ویژگی‌های اصلی کارگزاران دولت احمدی نژاد به ویژه مسئولان عالی‌رتبه وزارت امور خارجه را می‌توان به اقتضای منشأ اجتماعی، تربیت خانوادگی، وابستگی‌های سیاسی و عوامل متعدد دیگر این‌گونه برشمرد: سنت‌گرا، بیگانه‌گریز، آرمان‌گرا، واکنش‌گرا، منتقد به جریان‌ات پیشین سیاست خارجی، انعطاف‌ناپذیر. (ازغندی، 1389، 140-139)

با روی کار آمدن دولت روحانی ایستارهای نخبگان سیاسی حاکم در ایران تا حد بسیاری زیادی دگرگون شد. روحانی به عنوان نامزد میانه‌رو در انتخابات ریاست جمهوری ایران از زمان روی کار آمدن در سال 1392، آهنگ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تغییر داد. (Sherrill, 2013, 64)

روحانی و همکارانش از زمان در دست گرفتن زمام امور اجرایی، چند هدف اصلی برای دولت خود ترسیم نمودند که در این میان به نظر می‌رسد حل و فصل بحران‌های اقتصادی، مدیریتی و بین‌المللی از اولویت بیشتری نسبت به دیگر اهداف برخوردار است. بحران‌هایی که روحانی و تیم همراهش آنها را نتیجه بی‌تدبیری دولت محمود احمدی نژاد می‌دانند. در میان این اهداف از نظر دولت روحانی حل و فصل مناقشه بین‌المللی ایران در موضوع هسته‌ای از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است. به عقیده روحانی حل و فصل بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ایران به ویژه مشکلات اقتصادی در گرو حل و فصل مناقشه هسته‌ای ایران با غرب است (Bastani, 2014, 2). روحانی در انتقاد از نوع نگاه دولت قبل به موضوعات بین‌المللی به ویژه در موضوع هسته‌ای بارها منتقدین خود را بر خلاف انتظارات معمول به چالش کشیده است تا بدانجا که از القابی چون «ترسو» درباره آنها استفاده کرده است. (Ibid)

بنابراین خروج ایران از انزوای بین‌المللی یکی از اهداف اصلی روحانی را تشکیل می‌داد (Shanahan, 2015, 2). روحانی از همان سال نخست ریاست جمهوری ترمیم چهره بین‌المللی ایران را در دستور کار قرار داد. نکته برجسته و قابل توجه درباره کابینه حسن روحانی آن است که بخش عمده‌ای از اعضای کابینه وی تحصیلات عالی از دانشگاه‌های غربی دارند. زندگی آنها در دنیای غرب باعث شده تا آنها درک متفاوتی از ارزش‌های غربی به دست آورند (Ibid, 3) روحانی

پس از اینکه در مذاکرات هسته ای توانست با ایجاد شرایط مذاکره چهره به چهره میان مقامات ایرانی با مقامات آمریکایی گامی را در جهت بهبود روابط شکننده ایران با آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون بردارد، به دنبال آن بود تا این مدل را در دامنه ای وسیع تر توسعه ببخشد. (Ibid, 5) امری که با خروج ایالات متحده از برجام در دوران ترامپ و بازگشت همه جانبه تمام تحریم‌های تعلیق شده در دوران اوباما غیرممکن شد.

به اعتقاد روحانی و نخبگان همراهش ایران نباید دشمن دائمی داشته باشد. به عقیده روحانی با اتخاذ سیاست‌های عملگراییانه تحت برجام می توان مشکلات ایران به خصوص در حوزه اقتصاد را حل و فصل نمود و ایران را تبدیل به مرکزی مهم برای تجارت و حمل و نقل بین المللی کرد (Katzman, 2016, 3). روحانی توافق حاصل شده با غرب در مناقشه هسته ای را فرصتی کم نظیر برای ایجاد فضای دوستی و همکاری با تمام کشورهای دنیا بر شمرده بود (Endbrink, 2015). یکی از وعده های اصلی روحانی در حوزه سیاست خارجی به ترمیم شرایط آسیب دیده روابط خارجی ایران در دوران هشت ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد باز می گشت. به باور وی ترمیم و بهبود شرایط اقتصادی ایران از راه کاهش تحریم‌های بین المللی میسر خواهد شد (Juneau, 2014, 100-101).

همان طور که گفته شد، روحانی در حوزه سیاست خارجی سیاست‌هایی مشابه با دولت هاشمی رفسنجانی را در اولویت کار خود قرار داد. این نزدیکی به گونه ای است که حتی بسیاری از چهره های دولت هاشمی که در آن دولت دارای سمت‌های بالا بودند به رغم گذشت دو دهه در دولت روحانی نیز مجدداً ارکان اصلی قدرت در قوه مجریه ایران را بر عهده گرفتند. در این رابطه می توان به بسیاری از وزراء، معاونان و مشاوران رئیس جمهور اشاره کرد.

شخص حسن روحانی نیز مشابهت‌های حداکثری با هاشمی رفسنجانی دارد. هاشمی رفسنجانی نمونه‌ای از رهبران انقلابی واقعگراست که همواره در جهتی مخالف تمایلات ضد سیستم تلاش کرد. تغییرات در تعیین و فهم از منافع ملی در دوران هاشمی در قیاس با دوره جنگ آن قدر محسوس بود که آمریکایی‌ها رفسنجانیسم را یک روند تعدیل کننده در خط‌مشی داخلی و خارجی ایران تلقی کرده بودند (باوند، 1380) در این مقطع زمانی نگاه نخبگان ایرانی بیشتر متوجه درون شد و تامین منافع ملی جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی با توجه به پارامترهای درونی و محذورات و مقدرات داخلی کشور مورد توجه دولت وقت قرار گرفت. در این دوران الگوهای رفتاری، از رویارویی به مصالحه و از توسعه طلبی به همزیستی مورد تاکید قرار گرفت.

به اعتقاد روحانی سیاست خارجی مطلوب، سیاستی است که هزینه‌ها را کاهش داده و سود را افزایش دهد. وی با تاکید بر واقع‌گرایی معتقد است آرمان‌ها نیز در گرو واقع‌بینی محقق خواهد شد (entekhab.ir, 1392) وی با تاکید بر لزوم همکاری با تمام کشورهای جهان بر این اعتقاد است که قطع رابطه با کشورهای دیگر امکان‌پذیر نیست. وی هدف اصلی خود از ورودش به رقابتهای انتخابات ریاست جمهوری در حوزه سیاست خارجی را برقراری تعامل سازنده و تنش‌زدایی با دنیا می‌داند (Ilina.ir, 1392) با توجه به شعارهای انتخاباتی حسن روحانی و نیز نوع رفتار وی در این چند سال می‌توان سیاست خارجی وی را سیاستی مبتنی بر «آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه» (Farsnews.com, 1392)، «قدرت‌جویی بین‌المللی محاسبه‌گرانه»، «تعامل با نظم بین‌المللی»، «موازنه قدرت بر اساس مفهوم اعتدال»، «تنش‌زدایی به ویژه با همسایگان و رویکرد هزینه-فایده» (همان) «خودداری از درشت‌سخن راندن در مقابل دشمن و شناخت نقشه‌های آن» (Isna.ir, 1392) دانست. به باور روحانی واقع‌بینی نه در تقابل با آرمان‌گرایی و دنبال کردن ارزشها، بلکه بستر آن است (علیپوریان و نوری اصل، 1393، 102)

2. تغییر برداشت از هویت ملی و دگرگونی در تعریف منافع ملی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌های مبتنی بر اسلام شیعی، مهم‌ترین منبع ایجاد همبستگی در جامعه ایرانی شد؛ بدین ترتیب ارزش‌های مقبول نزد رژیم پیشین یکسره تجدید یا انکار شدند. در این میان، ملت‌گرایی و ارکان غیردینی هویت ایرانی نیز به چنین سرنوشتی دچار شد. بنابراین در دهه اول در یک توافق تقریباً جمعی، رویکرد دینی از چنان ژرفایی برخوردار شد که هویت ملی مترادف و هم‌سنگ هویت دینی قلمداد شد و سایر ابعاد هویت، اجزای کم‌بهای آن به شمار آمد. با آغاز عصر سازندگی و گرایش به نوسازی در کشور، شرایطی پدید آمد که نیاز به تعریف مجددی از هویت ایرانی را تجویز می‌کرد. در این تعریف، هویت ایرانی آمیزه‌ای از ملیت ایرانی و اعتقادات مذهبی شد.

با اینحال پس از پایان عصر سازندگی و در دولتهای خاتمی، احمدی نژاد و روحانی برداشتهای متفاوتی از هویت ملی شد. نوع برداشت متفاوت کابینه احمدی نژاد و روحانی از مفهوم هویت ملی را باید دیگر عنصر موثر در درک متفاوت این دولتها از مفهوم منافع ملی و به تبع جهت‌گیری‌ها و اهداف متفاوت در حوزه سیاست خارجی دانست.

احمدی نژاد که در این مسئله نیز خود را پیرو امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی می‌دانست با ارجحیت دادن اسلامیت بر ایرانیت بر اولویت قطعی مصالح اسلامی بر منافع ملی تاکید داشت. در

نگاه احمدی نژاد دولت ملی باید در چارچوب ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی - شیعی رفتار نماید لذا دولت نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است. این گفتار از نظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومت می‌نگرد که تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام در مرکز ثقل خود دارد.

در نگاه احمدی نژاد انقلاب اسلامی و آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های آن یکی از مقدمات بنیادی و یکی از عناصر اساسی تعیین و تعریف کننده هویت ملی ایران است. هویت جمهوری اسلامی ایران حاصل برآیند عنصر «هویت اسلام»، «انقلاب اسلامی» و «ایران» است و این عناصر اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به «ایرانیت» در تکوین هویت جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند. در دوره احمدی نژاد ماهیت و هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف ملی آن را نیز تعیین و تعریف کرد (عیوضی، 1387، 209).

محمود احمدی نژاد یکی از رسالتهای سیاست خارجی ایران را معرفی و ترویج گفتار انقلاب اسلامی و الگوی جامعه اسلامی به بشر می‌داند. به نظر وی «... ما وظیفه داریم پیام اسلام را به تمام دنیا برسانیم». (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، 1389، 192؛ احمدی نژاد، 1384) به اعتقاد وی وظیفه و مأموریت جمهوری اسلامی تنها ایجاد یک جامعه و دولت الگوی اسلامی در درون ایران نیست. بلکه رسالت و مسئولیت بزرگتر و مهمتر معرفی و ترویج این روش و الگوی دولت توسعه یافته عدل اسلامی به سایر ملتها و کشورهاست (دهقانی فیروزآبادی، 1389، 195). سیاست خارجی احمدی نژاد منافع ملی را بار دیگر در ذیل مصالح اسلامی و ایدئولوژیک قرار داد (ازغندی، 1389، 131-120) در این دوره منافع ملی بیشتر بر مبنای پایه‌های ایدئالیستی و ارزشی شکل گرفت. در گفتار اصول‌گرایی دولت نهم و دهم مرزهای ایدئولوژیک و عقیدتی جایگزین مرزهای جغرافیایی می‌شود و مکتب‌گرایی جای ملت‌گرایی را می‌گیرد. عنصر هویت‌سازی که خود و دیگری را تعریف می‌کند «اسلام» و مرکز ثقل روایت اصول‌گرایی از هویت ملی ایران «اسلامیت» است. دولت نقش‌هایی چون «دولت عدالت‌گستر»، «دولت ظلم‌ستیز»، «مدافع اسلام و تشیع»، «حامی جنبش‌های آزادی‌بخش» را برای خود تعریف می‌کند.

بر این اساس منافع ملی برپایه اهداف متفاوتی چون عدالت‌گرایی بین‌المللی، تکلیف‌گرایی، نفی سلطه استکبار، انقلابی‌گری و تلاش برای آماده ساختن زمینه‌های آخرالزمانی قرار می‌گیرد. بنابراین منافع ملی نه با توجه به شرایط و مقتضیات بیرونی، که بیشتر با توجه به عوامل و انگیزه‌های پیشینی، غیرقابل تغییر و نسبتاً ثابت عقیدتی مشخص می‌شود.

با روی کار آمدن حسن روحانی رویه های حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوران احمدی نژاد تا حد بسیار زیادی دگرگون شد. اگر گفتمان آرمانگرایی عدالت‌محور را با مشخصه هایی چون بازگشت به آرمانهای اولیه انقلاب اسلامی ایران و ترجیح مصالح اسلامی بر منافع ملی را گفتمان غالب در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد بدانیم گفتمان اعتدال محور تنش زد(علیپوریان و نوری اصل، 1393، 81) با مشخصه هایی چون واقع گرایی و ترجیح منافع ملی بر مصالح اسلامی را باید گفتمان غالب در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی برشمرد.

به طور تاریخی سیاست خارجی ایران غالباً میان دو پارادایم در نوسان است. پارادایم اول انزوا طلبی فعال و پارادایم دوم بین المللی گرایی مبتنی بر منافع ملی است که از تعهدات بین المللی دولت جمهوری اسلامی ایران برای پشتیبانی و توسعه منافع ایران حمایت می کند. پارادایم دوم بر جغرافیای خاص ایران متمرکز است و معتقد است ایران نمی تواند انزوای بین المللی داشته باشد لذا تعامل و همکاری بین المللی اجتناب ناپذیر خواهد بود. روحانی قطعاً فردی انزوا طلب نیست و اگرچه شاید به طور مطلق بین المللی گرا نباشد لکن بی تردید با توجه به واقع گرایی ای که دارد نگاه کاملاً مثبتی به مساله همکاریهای بین المللی دارد (CHATHAM HOUSE, 2016) با روی کار آمدن روحانی و گذار از کابینه ایدئولوژیک احمدی نژاد به کابینه ای تکنوکرات، برداشتهای جدیدی در تفسیر و تبیین مفاهیم سیاسی به نخبگان تحمیل شد (ازغندی، 1381، 16) از جمله این مفاهیم و شاید مهمترین آنها مفهوم منافع ملی بود (همان). مفهوم بسیار مهمی که ارتباط تنگاتنگی با نوع برداشت نخبگان از مفهوم هویت ملی دارد.

در برداشت از هویت ملی نیز نگاه دولت روحانی در سمت و سوی مخالف با دولت احمدی نژاد قرار می گیرد. در نگاه دولت روحانی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران لزوماً همواره با مصالح اسلامی همپوشانی ندارد و دولت موظف است در صورت تزاخم میان این دو، اولویت را به منافع ملی دهد. از این منظر دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به پارامترهای درونی و محذورات و مقذورات داخلی در تلاش است تا به بیشینه سازی منافع ملی ایران در معنای مدرن آن بپردازد.

3. تحولات ساختاری و دگرگونی در تعریف منافع ملی

در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد تحولات گسترده ای در دو عرصه بین المللی و منطقه ای ایجاد شد. اگرچه روند برخی از این تحولات در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی تا حدودی طی شد لکن در برخی موضوعات بسیار مهم جهانی و منطقه ای تغییرات اساسی ای از زمان روی کار آمدن حسن روحانی به وقوع پیوسته است. سرنوشت پرونده هسته ای ایران که با سپرده شدن به شورای امنیت ملی سازمان ملل متحد به موضوعی امنیتی با ابعاد بین المللی تبدیل شده بود را باید مهمترین این موضوعات به شمار آورد.

مناقشه هسته ای ایران با کشورهای غربی که در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد به نقطه اوج خود رسیده بود در دوران پس از روی کار آمدن کابینه حسن روحانی و با ابراز تمایل دولت

اوباما سرنوشت کاملاً متفاوتی پیدا کرد. اگر پرونده هسته ای ایران را اصلی ترین تحولی به شمار آوریم که آثار بسیار زیاد منطقه ای و بین المللی برای ایران داشته است سخنی به اغراق نگفته ایم. این وضعیت متفاوت را باید بیش از هر چیز در تغییرات ایجاد شده در نوع رهبری ایالات متحده به رهبری باراک اوباما دانست. آمریکا مترصد فرصت بود تا با پایان ریاست جمهوری احمدی نژاد باب گفتگو برای حل و فصل موضوع هسته ای با ایران را باز نماید. موضعی که البته با پایان کار اوباما به کلی کنار گذاشته شد.

علاوه بر موضوع هسته ای، همزمان با روی کار آمدن دولت روحانی تحولات زیادی در منطقه و جهان به وقوع پیوسته است. تحولاتی که هر کدام به مثابه ورودی هایی از سطح بیرونی عمل کرده و باعث شکل گیری تعریف خاصی از مفهوم منافع ملی از سوی دولت روحانی و به تبع چرخشهای محسوس دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی شده است. می توان به طور خلاصه مهمترین تحولات این دوره در قیاس با دولت قبل را اینگونه برشمرد:

(1) برخلاف اوباما که اعتقاد داشت دوره سواری رایگان اعراب به پایان رسیده (Kerrieg, 2016; Terril, 2015) ترامپ روابط خود با کشورهای حاشیه خلیج فارس را به شدت تحکیم بخشیده است. در کنار این کشورها رابطه ترکیه و آمریکا در دوره روحانی تا حدودی تیره شده است. برخی حتی از احتمال دست داشتن آمریکا در کودتای نافرجام جولای 2016 در ترکیه سخن به میان آورده اند تمام اینها در حالی است که در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد روابط آمریکا با این کشورها وضعیت متفاوتی با شرایط کنونی داشت.

(2) تشدید شکاف میان روسیه و آمریکا در دوران اوباما: بحرانهای اوکراین و سوریه به خصوص مداخله مستقیم روسیه در سوریه از دیگر تحولات مهمی است که در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی اثرگذار بوده است. اگرچه شکاف میان روسیه و آمریکا تاریخیچه ای مفصل دارد و نمی توان آن را محدود به این دوران کرد، با این حال به نظر می رسد شکاف میان آمریکا و روسیه در سالهای اخیر از ابعاد متفاوتی برخوردار شده است. ابعادی که به نظر می رسد بیش از هر چیز تحت تاثیر بازخیزش روسیه به رهبری پوتین برای باز پس گیری جایگاه از دست رفته اش باشد.

(3) تشدید شکافهای میان ایران و عربستان به عنوان دو قدرت نظامی و اقتصادی منطقه: تشدید این اختلافها را باید نتیجه تسویه حسابهای سیاسی و امنیتی ایران و عربستان در پرونده های امنیتی منطقه مثل سوریه، عراق، لبنان، بحرین و یمن دانست. البته نباید آثار پوست اندازی در لایه های قدرت عربستان و روی کار آمدن افراد جدید و جوان با مواضع رادیکال ضد ایرانی را در این وضعیت نادیده انگاشت. واقعیت آن است که در دوران احمدی نژاد طیفی از چهره های با تجربه، صبور و غیر رادیکال زمام امور نظام پادشاهی عربستان سعودی را در دست داشتند. برای تأیید این ادعا تنها کافی است مواضع متفاوت دو وزیر خارجه پیشین عربستان سعودی یعنی عادل الجبیر و سعود الفیصل در قبال مسائل منطقه ای و به خصوص جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

(4) رقابت امنیتی روزافزون ایران و ترکیه تحت تاثیر بحران سوریه و عراق: این در حالی است که ایران و ترکیه به ویژه در سال 2012 روابط حسنه ای داشتند (بیانیه سه گانه ایران، ترکیه و برزیل و میانجی گری ترکیه برای حل و فصل بحران هسته ای ایران، موسوم به بیانیه تهران) (mehrnews.com, 1389) البته نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که در دوره احمدی نژاد ایران با اردوغانی متفاوت از اردوغان امروز سر و کار داشت.

(5) کاهش قیمت جهانی نفت (nasdak.com, 2016)؛ در سال 92 درآمد نفتی ایران به میزان یک چهارم نسبت به سال 91 کاهش پیدا نمود. با توجه به وابستگی دولت ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت (Mahdavy, 1970)، بی تردید کاهش چشمگیر قیمت نفت در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در قیاس با قیمت بالای نفت در دوران زمامداری احمدی نژاد را باید یکی از تحولات ساختاری کاملاً آشکار و موثر بر نوع تعریف مفهوم منافع ملی توسط دولت روحانی به شمار آورد. البته در کنار این موارد شمار دیگری از تحولات ساختاری به وقوع پیوسته در سطوح منطقه ای و بین المللی نظیر تکمیل خط لوله حبشان - فجیره توسط امارات 1 را نیز می توان به فهرست بالا اضافه نمود؛ لکن به نظر می رسد در مقام مقایسه و تدقیق در میزان اثرگذاری موارد بالا از اهمیت بیشتری در قیاس با موارد دیگر برخوردار باشند.

جمع بندی

سیاست خارجی به عنوان یکی از مهم ترین حوزه های سیاست گذاری در تعامل محیط درونی و بیرونی کشورها همواره تحت تاثیر نوع تعریف و پردازش مفهوم منافع ملی بوده است. به تعبیری دیگر تدوین راهبردها، جهت گیری ها و به کار گیری ابزارها در تحقق اهداف در محیط خارجی بسته به نوع اجماع نظری است که نخبگان یک جامعه به آن دست یافته اند. بنابراین ایجاد هرگونه تحول و تطور در آن می تواند سیاست خارجی و راهبردهای آن را در ادوار مختلف دچار تغییر کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی از همان آغاز تشکیل نظام جمهوری اسلامی عرصه تجلی تحول در مفهوم منافع ملی و پیرو آن تغییر در اولویت ها و جهت گیری های سیاست خارجی بوده است. تغییر نخبگان حاکم، نوع برداشت از هویت ملی و تحولات ساختاری سه عاملی است که در ادوار گوناگون سیاست خارجی ایران به تحول مفهوم منافع ملی یاری رسانده است. در حالی که در تمامی این ادوار این مولفه ها از تاثیرگذاری برخوردار بوده اند، اما یک عامل بنا به شرایط زمانی از وزن

¹ - گفته می شود با تکمیل این خط لوله، دولت روحانی مزیت استراتژیک ایران در بستن تنگه هرمز را تا حدی از دست داد. مزیت استراتژیکی که در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد بارها توسط شخص وی مطرح شده بود.

بیشتری برخوردار بوده است. اگر در زمان دولت موقت با تغییر نخبگان و نوع برداشت آن‌ها از هویت ملی، منافع ملی در چارچوب ایران و هویت ملی تعریف می‌شد، در دوره جنگ بنا به خاستگاه فکری نخبگان و شرایط اولیه جنگ و فشارهای ساختاری منافع ملی در سطحی بالاتر در چارچوب منافع امت و جهان اسلام تعریف می‌شد. یا در دوره سازندگی تحت تاثیر فشارهای درونی و الزامات بین‌المللی دولت وقت ناگزیر از بازتعریف منافع ملی به گونه‌ای بود که نیازهای توسعه‌ای کشور تامین و مد نظر قرار گیرد. همانند این ادوار، دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد نیز از این مولفه‌ها تاثیر پذیرفت. در حالی که تغییر نخبگان به ویژه شخص خاتمی با ویژگی‌های خاص شخصیتی و فضای ذهنی اولویت سیاست خارجی و منافع ملی را در یک فضای فرهنگی تعریف کرد، در دوره احمدی‌نژاد شاخصه‌های فکری و شخصیتی رئیس‌جمهور در کنار نوع برداشت از منافع ملی و نیز همزمانی با فشار ساختار بین‌المللی باعث شد تا منافع ملی در مقایسه با دوران قبل دچار دگردیسی بنیادی شود.

با روی کار آمدن حسن روحانی با ایجاد تغییر در هر سه مولفه نخبگان، نوع برداشت از هویت ملی و تحولات ساختاری شاهد بازتعریف در مفهوم منافع ملی توسط نخبگان جدید و به تبع تغییر در جهت‌گیری‌ها و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستیم. در این دوران انقلابی‌گری، امت‌گرایی و کارگزار محوری مشهود در دوره‌های نخست‌وزیری موسوی و ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به محافظه‌کاری، ملی‌گرایی و ساختارگرایی مشهود در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و خاتمی تبدیل گردید.

همانطور که مشخص است چرخش صورت گرفته در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جدید پدیده نوظهوری نیست و مسبوق به سابقه است. با این حال آن چیزی که از بررسی مقطعی خاص از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ارتباط آن با تحول مفهوم منافع ملی مشخص شد وجود تحولات و تغییرات بنیادی در این مفهوم با تغییر کابینه‌ها و جایگزینی رؤسای جمهور است. با وجود این که این تغییر با جایگزینی نخبگان امری مرسوم و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، اما اصل تداوم در سیاست خارجی بر لزوم حفظ دستاوردهای پیشین و عملکرد بر محورهای مشترک تاکید دارد؛ موضوعی که می‌توان از آن به عنوان حلقه مفقوده سیاست خارجی ایران نام برد.

منابع

الف-فارسی

- ازغندی، علیرضا (1389)، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
- ازغندی، علیرضا (1381)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس

- افتخاری، اصغر(1386)، «مصلحت و منفعت: جمع بین مصالح دینی و منافع ملی در الگوی حکومتی جمهوری اسلامی» در: داود کیانی (گردآورنده)، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. صص 38-45.
- تاجیک، محمدرضا(1386)، «انسان ایرانی و منافع ملی: تاملی دیرینه شناختی/تبارشناختی» در داود کیانی (گردآورنده) منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- «توافق 10 ماده‌ای ایران، ترکیه و برزیل / نظارت آژانس بر تبادل سوخت»، خبرگزاری مهر، 1389.2.27، در:
<http://www.mehrnews.com/news/1084432>
- «حسن روحانی: باید چتر امنیتی بر فضای سینما و موسیقی را برداریم/دولت خاتمی را با دولت فعلی قابل مقایسه نمی‌دانم»، خبرگزاری انتخاب، 1392.2.14، در:
<http://www.entekhab.ir/fa/news/109542>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال(1386)، «هویت و منفعت در سیاست خارجی ج.ا.ایران»، در داود کیانی (گردآورنده) منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر(1389)، الگوهای صدور انقلاب، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال(1391)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- «روحانی: حرمت و اقتدار باید به مجلس بازگردد/دولت قوی در کنار مجلس قوی خواهد بود»، خبرگزاری دانشجویان ایران، 1392.4.23، در:
<http://www.isna.ir/news/92042314473>
- علیپوریان، طهماسب و احد نوری اصل(پاییز 1393)، «تحول یا تغییر گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مقایسه سیاست خارجی دوران احمدی نژاد و روحانی»، مطالعات سیاسی، شماره 25، صص 79-108.
- عیوضی، محمد رحیم و علی نوازی(زمستان 1393)، بررسی مقایسه ای سیاست خارجی احمدی نژاد و روحانی در مواجهه با سازمان ملل متحد، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره 58، صص 39-74.
- عیوضی، محمدرحیم(تابستان 1387)، «تحلیلی بر سیاست خارجی دکتر محمود احمدی نژاد»، راهبرد یاس، شماره 14، صص 209-230.
- علیرضا کریمی، «گفتمان احتمالی سیاست خارجی روحانی در پرتو نظریه‌ها»، خبرگزاری فارس، 1392.4.8، در:
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920408001025>
- «کود تا در ترکیه مشکوک است/ایران در این ماجرا دقیق عمل کرد»، خبرگزاری مهر، 1395.4.26، در:

- <http://www.mehrnews.com/news/3714292>
غریبی، سعید(1387)، سیاست خارجی آقای احمدی نژاد، داز شگاه بین المللی امام خمینی(ره)،
سایت مقالات علمی ایران، مندرج در:
<http://www.articles.ir/article2453.aspx>
- متقی، ابراهیم(1384/6/12)، بررسی سیاست خارجی دولت احمدی نژاد؛ غلبه اسطوره بر واقعیت،
نشریه حیات نو اقتصادی.
- «ما از افراط‌گری و خودسری به دور هستیم»، خبرگزاری کار ایران، 1392.3.23، در:
<http://www.ilna.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1-105/80919-%D9%85%D8%A7-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B7-%DA%AF%D8%B1%DB%8C>
- « معرفی سوابق و گرایش سیاسی وزیران پیشنهادی روحانی / 7 وزیر اصلاح طلب و 2 وزیر اصولگرا
در کابینه اعتدال»، خبرگزاری مهر، 1392.5.14، در:
<http://www.mehrnews.com/news/2110202>
- مشیرزاده، حمیرا(1386)، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: سمت.
- مولانا حمید و منوچهر محمدی(1388)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران احمدی
نژاد، چاپ سوم، تهران: دادگستر.
- مولانا، حمید و منوچهر محمدی(1387)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی
نژاد، تهران: دادگستر.
- هرمیداس باوند، داود(بهار و تابستان 1380)، «گفتگوی علمی؛ منافع ملی و سیاست خارجی: رابطه
ایران و آمریکا؟»، مطالعات راهبردی، شماره 11 و 12، صص 11 تا 22.

(ب) منابع انگلیسی

- Bastani, Hossein(November 2014), "How Powerful is Rouhani in the Islamic Republic?", CHATHAM HOUSE: Research Paper, at:
https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field_document/20141124RouhaniislamicRepublicBastani.pdf
- "Crude Oil WTI", at: <http://www.nasdaq.com/markets/crude-oil.aspx?timeframe=10y>
- Erdbrink, Thomas (September 18, 2015), "Post-Deal Iran Reappraising 'Great Satan'", New York Times.
- "Iran's Politics and Foreign Policy"(August 2016) CHATHAM HOUSE: Workshop Summary, at:
<https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/events/2016-03-13->

irans-politics-foreign-policy-workshop-summary.pdf

- Juneau, Thomas (Winter 2014), "Iran under Rouhani: Still Alone in the World", Middle East Policy, Vol. XXI, No. 4, pp.92-104.
- Katzman, Kenneth (December 21, 2016) "Iran's Foreign and Defense Policies", Congressional Research Service, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf>
- Krieg, Andreas (2016), "Externalizing the burden of war: the Obama Doctrine and US foreign policy in the Middle East", The Royal Institute of International Affairs, at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/1468-2346.12506/full>
- Mahdavy, Hussein (1970), the Patterns and Problems of Economic Development in Rentier State: The Case of Iran in M.A. Cook, (Ed), Studies in Economic History of the Middle East, London: Oxford University Press.
- Shanahan, Rodger (February 2015), "Iranian foreign policy under Rouhani", Low Institute for International Policy, at: <https://www.files.ethz.ch/isn/188299/iranian-foreign-policy-under-rouhani.pdf>
- Sherrill, Clifton (Summer 2014), "Why Hassan Rouhani Won Iran's 2013 Presidential Election", Middle East Policy, Vol. XXI, No. 2, pp.64-75.
- Terrill, Andrew (October 2015), "ARAB THREAT PERCEPTIONS AND THE FUTURE OF THE U.S. MILITARY PRESENCE IN THE MIDDLE EAST", SSI and U.S. Army War College Press, at: <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdf/files/pub1297.pdf>
- Waltz, Kenneth (1979), Theory of International Politics, New York: Random House.

